

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Satire

طنز

لمبه

۲۱.۱۰.۰۹

شبانه های من (۳)

انتخابات، ارزشی که سالهای سال انتظارش را بردیم؛ ولی با درد و دریغ که یک هوس بی جا و بی فایده ای بود.

ارزشی که شاید ما شایسته اش نیستیم؟!

سالها با قلقله دموکراسی تشکیلاتی در تشکلات و سازمان ها و گروه ها و دسته ها در دیکتاتوری به سر بردیم.

دموکراسی گفتیم و شنیدیم و خواندیم، ولی

ولی چیزی به نام دموکراسی تشکیلاتی، انتخاب و انتخابات ندیدیم و زندگی سیاسی ما با آن پیوند نخورد و روزگار

بهانه ای بود که همه کاسه و کوزه بر فرق آن شکست و عده ای خود انتخاب شده، سالها فرمان راندند و فرمان

راندند و فرمان و دریغا که چه بد و بد فرمان راندند!

امروز پس از گذشت سالها و قتیکه "بورژواترین دموکراسی" را می بینم، خنده ام می گیرد؛ خنده ای توام با درد و

تأسف مرگبار. زیرا آن گذشته، سالها در پاسخ به این پرسش که چه نوع دموکراسی می خواهیم، شنیده بودم:

بورژواترین دموکراسی. این پاسخ پرسشی بود که خود ما با آن غریب و بیگانه بودیم و نه دموکراسی تشکیلاتی

داشتیم، نه هم آزادی بیان و نه هم آزادی فکر و کلاً دموکراسی تشکیلاتی به حرامزاده سیاسی می ماند که مورد

نفرین فرماندهان قرار داشت. و قتیکه کسی بدون دموکراسی و انتخاب و انتخابات رهبر و فرمانده شده بتواند، حقا

که دموکراسی را باید نفرین و مسخره کند!!

و از همه مضحکتر اینکه وقتی خود ما دموکراسی، انتخاب و انتخابات نداشتیم، در مورد نوعیت دموکراسی که

فرماندهان برای توده ها می خواهند و سوسه داشتیم!!

و اینک، امشب، در این شبانه، "بورژواترین دموکراسی" را می بینم:

حامد کرزی از انتخابات و دموکراسی و حق مردم سخن می گوید و جان کری یکی از سناتوران مشهور کانگریس

امریکا، کارل ایکنبری سفیر ایالات متحده امریکا، مارک سیدویل سفیر بریتانیه و کای ایده نماینده خاص ملل متحد

با سر شوراندن و تأکید های متواتر او را همراهی می کنند و در عین زمان صدای بمب و انفجار و غرش

هیلکوپترهای امپراتوری جهانی بر فضای کشور من هر لحظه جنایت می زاید - شاید این بورژواترین دموکراسی
زمان باشد!!

کرزی پس از روزها جنجال و امر و نهی با چهره کبود و گرفته دور دوم انتخابات را می پذیرد و اوباما و گوردن
براون و سرکوزی از صداقت او تشکر نموده و از پختگی سیاسی او سخن و سخن میزنند - شاید این بورژواترین
دموکراسی زمان باشد!!

بورژواترین دموکراسی و بورژواترین انتخابات در کشوری که بیشتر از ۹۰۰۰۰۰ چکمه پوش "دموکرات"، می
کشند و بمب می ریزند و میله تفنگ بر قلب کودکان نشانه میروند....
شاید همان بورژواترین دموکراسی که سالها قبل شنیده بودم، همین باشد!؟

تا یک شبانه دیگر.